

تضاد و پیشرفت در انقلاب کوبا

یک ارزیابی از شرایط کنونی

با به قتل رسیدن چهارده تن از اعضای «توپاک آمارو» در پرو، بار دیگر بحث حول مبارزه مسلحانه در آمریکای لاتین و به ویژه تجارب و درس های انقلاب کوبا، طرح می گردد، مقاله «کامران نیروی» که نخستین بار در «آرش» شماره ی ۵۶ انتشار یافته بود، با اصلاحات جزئی توسط نویسنده، مجدداً در اختیار خوانندگان «کارگر سوسیالیست» قرار می گیرد. این مقاله که حاوی تحقیقات ارزنده ای است می تواند زمینه ای برای باز شدن بحث و تبادل نظر پیرامون تجارب انقلاب کوبا گردد.

۱ - مقدمه

«آرش» شماره ۵۲ مقاله ای طولانی داشت تحت عنوان «چه گوارانی دیگر می باید!» (گزارشی از اوضاع و احوال مردم کوبا). نویسنده با نام «ارژن» معرفی شده و محل و تاریخ نگارش مقاله «تهران، تیرماه ۷۴» ذکر گردیده است. ارژن گویا حدود یک سال پیشتر (ضمن سال ۱۹۹۴ میلادی) از هاوانا دیدن کرده است و خود می گوید «سعی در ارائه تصویر درست و روشن از وضعیت فعلی زندگی مردم» در آن شهر و اطرافش داشته است.^۱ حداقل دو نسل از مبارزان ایرانی با انقلاب کوبا از

^۱ - عنوان شعارگونه «چه گوارایی دیگر، می باید» با هدفی که ارژن برای مقاله اش تعیین کرده است جور در نمی آید. بدتر اما انتخاب طرحی است که ضمیمه مقاله شده است، این طرح مردم کوبا را زندانی و فیدل کاسترو را زندانبان جلوه می دهد، زندانبانی که دروازه ها را به

دور آشنا بوده اند. اما به دلایل مختلف آشنایی دقیق و نزدیک با انقلاب کوبا همواره از دسترس علاقه مندان ایرانی دور بوده است. از این رو دیدار یک ایرانی از کوبا و نوشتن مقاله ای در مورد این مردم و انقلاب به خودی خود قدمی در جهت رفع این نقیصه است. اهمیت مرکزی انقلاب کوبا در سیاست جهانی، خصوصاً برای آن ها که به دنبال انقلاب اجتماعی هستند، بر نیاز به درک عمیق از دینامسیم مبارزات کارگران و زحمت کشان در این کشور می افزاید. اطلاعات عام در مورد انقلاب کوبا کم نیست. اما بخش وسیعی از آن چه در رسانه های جمعی، خصوصاً در کشورهای غربی وجود دارد یا ربطی به مبارزات کارگران و زحمت کشان کوبائی ندارد و یا صرفاً تحریف واقعیت و هجو انقلاب کوباست. ارژن که از این امر اطلاع دارد به خواننده مقاله اش اطمینان می دهد که نوشته او «جداً از تمامی گزارش های خبرگزاری های غربی و آمریکائی که هر یک منافع استراتژیکی و عقیدتی خاصی» را دنبال می کنند، است. اما مقاله ارژن تصویری یأس آور از شرایط مردم و انقلاب کوبا به دست می دهد و صرف نظر از نیات او تفاوت اساسی با گزارشات رسانه های جمعی کشورهای غربی ندارد. برای خواننده علاقه مند به انقلاب کوبا این سؤال مطرح است: آیا انقلاب سوسیالیستی در کوبا با شکست رو به رو شده است؟

من در ژوئن ۱۹۹۴ برای شرکت در ششمین کنفرانس «کارشناسان فلسفه و علوم اجتماعی آمریکای شمالی و کوبا» که در دانشگاه هاوانا برگزار شد. به این کشور سفر کردم. این دیدار فرصت ارزنده ای بود تا مطالعاتم را در مورد انقلاب کوبا با مشاهدات مستقیم و گفت و شنید با مردم، خصوصاً کارگران و زحمت کشان، تطبیق و تعمیق دهم. در این فرصت توانستم از دو کارخانه، یک مزرعه تعاونی، دو دانشگاه، چند بیمارستان و کلینیک، دو مهدکودک، چند محله ی شهر هاوانا و تعدادی از مراکز

سوی دلارهای آمریکائی گشوده است. من فرضم را بر این می گذارم که این انتخاب های ناروا جزئی از مقاله ارژن نیستند، چرا که اولی (عنوان مقاله) در مجموع حمایتی چندان در متن مقاله پیدا نمی کند و دومی (طرح) ربطی به مطالب مطرح شده از جانب ارژن ندارد.

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دیگر دیدن کنم. در نشست های مختلف، چه رسمی و چه غیررسمی، با کارگران صنایع و کشاورزی، استادان و دانشجویان، کارکنان بیمارستان ها، مهدکودک ها، فعالین تشکلات محلات و خانواده های کوبانی به گفتگو نشستیم. آن چه از مجموعه این دیدارها و سایر مشاهداتم به دست آمد این بود که انقلاب کوبا، علیرغم مشکلات، منجمله معضلات جدی اقتصادی، زنده و پویاست. کارگران و زحمت کشان کوبانی در برابر بحران عمیق اقتصادی- که شواهد آن در مقاله ارژن آمده است- به زانو در نیامده اند، که فعال تر در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی حضور دارند و در صدد ریشه یابی معضلات موجود هستند. ارژن و من در یک فاصله زمانی مشابه از کوبا دیدن کرده ایم ولی به دو نتیجه گیری متضاد رسیده ایم. علت این تفاوت اساسی را باید در متد بررسی و درک متفاوت ما از این انقلاب جستجو کرد.

۲- روش تحقیق ارژن: در نقد تجربه گرائی

ارژن خود شیوه ی بررسی اش از جامعه کوبا را توصیف می کند: فردی که «قصد تحقیق و تفحص روی موقعیت کنونی زندگی مردم [کوبا را] داشته باشد به واقعیت تلخ امروز و گرسنگی مردم از رو به رو و در کنار آنان پی خواهد برد.» مرکز ثقل مقاله ارژن مشاهدات عینی و تجربی اوست در قلمرو وسیعی از وضعیت پولی، درآمدها، مسکن، موادغذائی، پوشاک، خدمات شهری، آموزش و پرورش، بهداشت و درمان، فرهنگ و سیاست. این مشاهدات اما در هیچ زمینه ای عمق پیدا نمی کنند. در جریان تاریخی قرار نمی گیرند و توسط یک چشم انداز واحد از جامعه و انقلاب کوبا با یکدیگر مرتبط نمی شوند. به عنوان نمونه، درک بحران بهداشت و درمان در کوبا مستلزم آشنائی با وضع آن پیش از انقلاب و در جوامع مشابهی که در آن ها انقلاب اجتماعی سیر موفقیت آمیز نداشته است، درک تغییرات نظام بهداشت و درمان

در طول انقلاب و آشنائی نزدیک با تحولات خود انقلاب کوبا است.^۲ امروزه تجربه گرانی در عالی ترین شکل خود، یعنی پوزیتیویزم منطقی کارل پوپر، مردود شناخته شده است. اما مارکس در یک قرن و نیم پیش به نقد تجربه گرانی اقتصاددانان کلاسیک پرداخته بود.

در نتیجه روش ارژن می توانست او را «با واقعیت تلخ امروز» و «گرسنگی مردم» مواجهه سازد، اما هرگز قادر به توضیح این شرایط و در نتیجه مفید در مبارزه علیه آن نخواهد بود.^۳ این امر تنها توسط یک مشاهده فعال، یعنی هدایت شده

Kamran Nayeri: -^۲

نگاه کنید به: The Cuban Health Care System and Factors Currently Undermining It, Journal of Community, vol, ۲۰, No, ۴, August ۱۹۹۵.

^۳ - از جمله مشکلات ناشی از روش تجربه گرایانه ارژن وجود انواع ناهنجاری ها و حتا تضاد در «مشاهدات عینی» اوست. به چند نمونه اشاره می کنم. ارژن از یک طرف درآمدها در کوبا را بین ۱۲۰ تا ۴۰۰ پرز در ماه قید می کند و از سوی دیگر هزینه مصرف نان را ۲۴۰ تا ۳۰۰ پرز در ماه به ازاء هر نفر، در هیچ کجای مقاله ارژن برای خواننده ناآشنا به نظام کوبا توضیح نمی دهد که چرا ما شاهد قحطی و مرگ و میر وحشت ناک و حتا جنگ داخلی در این کشور نیستیم! چرا با این وضع دهشت ناک ارژن تنها با «دو گدا» در طول سفرش مواجه شده است! اگر مسکن در کوبا آن طور است که ارژن توصیف می کند، پس چرا در گزارشش از بی خانمانی صحبت نمی کند؟ برخی از اشارات ارژن صرفاً حاکی از عدم اطلاع او می کند. واقعیت این است که در کوبا «توریست آمریکائی» پیدا نمی شود. چرا که بر طبق قوانین ارتجاعی واشنگتن، شهروندان ایالات متحده اجازه انتقال پول به کوبا را ندارند -جز در موارد معدودی با اجازه دولت آمریکا. توریسم از آمریکا سالیان دراز است که قطع شده است. برخلاف گزارش ارژن در مورد بیکاری پزشک ها در کوبا، مردم کوبا به این افتخار می کنند که علیرغم بحران عمیق اقتصادی، هیچ پزشک و معلمی از کار بی کار نشده است. البته دقیقاً به علت کمبود درآمدها و تورم شدید در سال های دهه ۱۹۹۰ خیلی از کوبائی ها سعی در یافتن طرق مختلف برای کسب درآمد بیشتر هستند. همین طور اشاره ارژن به یک «بیماری عفونی

توسط یک چشم انداز نظری- تاریخی میسر تواند بود. شیوه ارژن، برعکس، برخورداری است اخلاقی و «خلق گرایانه» به مشکلات اقتصادی سال های اخیر در کوبا که از هرگونه عمق نظری، تاریخی و سیاسی تهی است. خواننده مقاله ارژن اثری از نقش و عمل توده مردم نمی بیند. در حقیقت ارژن تنها یک بار به نقش مردم اشاره می کند و این خود نمونه ای است از روش اخلاقی او «باشد که به خطا نرفته باشیم و نقش مردم کوبا را که صاحبان انقلاب شان هستند از یاد نبریم!»

۳- ویژگی بحران اقتصادی در کوبا

ارژن شواهد متعددی از بحران اقتصادی در کوبا در سال ۱۹۹۴ میلادی به دست می دهد. تقریباً همه آمار او بر پایه مشاهدات مستقیم و در زمینه اقتصاد خرد هستند. اما وجود بحران اقتصادی در دهه پایانی قرن بیستم پدیده ای مختص به کوبا نیست. آهسته شده رشد اقتصاد جهانی که در دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، در دهه ۱۹۸۰ ادامه یافت و در سال های اول دهه ۱۹۹۰ وخیم تر شد. مجموع تولید جهانی در سال ۱۹۹۱ نسبت به سال قبل عملاً کاهش یافت و در سال ۱۹۹۲ تنها یک درصد افزایش یافت. در غرب آسیا، آمریکای لاتین و آفریقا، این وضع وخیم، همراه با نرخ بالای رشد جمعیت، باعث تنزل درآمد سرانه شد. شرایط اقتصادی توده های مردم در آفریقا در سال ۱۹۹۲ به این ترتیب وخیم تر از سال ۱۹۷۱ بود. درآمد سرانه داخلی در آمریکای لاتین در سال ۱۹۹۲ به کم تر از سال ۱۹۸۱ سقوط کرد. اوضاع توده کارگر زحمت کش در کشورهای عمده سرمایه داری نسبت به گذشته تغییری حتی

چشمی» نادرست است. در سال های اول دهه ۱۹۹۰ به علت سوء تغذیه و خصوصاً کمبود ویتامین بیماری نوروپاتی (Neuropathy) در کوبا رایج شد و بیش از ۵۰ هزار نفر را مبتلا کرد. این بیماری با وارد کردن ویتامین و توزیع مجانی آن از بین رفته است. اشتباهات متعدد دیگر در مقاله وجود دارد که به ذکر همه آن ها نمی پردازم. هدفم در این نوشته پیام اصلی مقاله ارژن است در مورد شرایط کنونی انقلاب کوبا.

محسوس تر داشت. رشد اقتصادی در این کشورها که سه چهارم تولید جهانی را به خود اختصاص می دهند در سال های ۹۲-۱۹۹۱ تقریباً نامحسوس بود. در ایالات متحده دست مزد واقعی کارگران ۱۵ درصد کم تر از ۲۰ سال پیش است. آفت تولید اقتصادی در کشورهای اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی در سال های دهه ۱۹۹۰ به مراتب شدیدتر بوده است و در برخی از این کشورها اقتصاد عملاً در هم پاشیده است. تنها موارد استثنائی در سطح جهانی در چین و کشورهای صنعتی نوظهور آسیای شرقی دیده می شود.^۴

این بحران طولانی و عمیق اقتصادی اثرات خود را در سطوح مختلف به جا گذاشته است و من تنها برای درک بهتر موقعیت کوبا به چند نمونه اشاره می کنم. در سال ۱۹۹۰ در کشورهای کم درآمد و میان درآمد جهان ۲۹/۷ درصد جمعیت، یعنی ۱۱۳۳ میلیون نفر درآمد سالانه شان از ۳۷۰ دلار (دلار سال ۱۹۸۵ آمریکا) تجاوز نکرد و بنا به معیار بانک جهانی زیر خطر فقر قرار گرفتند. در همین سال در کشورهای «در حال توسعه» ۱۸۸ میلیون کودک زیر پنج سال، یعنی ۳۴/۸ از کل، از کم وزنی رنج می بردند^۵ در سال ۱۹۹۱ در سطح جهان ۲۲۵ میلیون نفر کمبود داشتند و ۱۰۰۵ میلیون نفر در معرض این خطر بودند. کمبود یُد باعث عقب افتادگی فکری کودکان و بیماری گواتر می شود. در همین سال ۱۳/۸ میلیون نفر از کمبود ویتامین آ رنج می برند و ۱۹۰ میلیون نفر دیگر در معرض خطر بودند. در سال

^۴ - World Social Situation the ۱۹۹۰ s. United Nations, New York, ۱۹۹۴, P۳-۴

^۵ - The Global State of Hunger and Malnutrition. World Food Council: ۱۹۹۲ Report, New York. ۱۹۹۲, Table ۲, P.۸.

۱۹۹۱ تعداد افرادی که کمبود آهن (کم خونی) داشتند به ۲۱۵۰ میلیون نفر بالغ می شد.^۶

البته قربانی عمده این بحران اقتصادی و اجتماعی کارگران و دهقانان هستند. در آمریکای لاتین و کشورهای دریای کارنیب ۲۰ درصد از کم درآمدترین افراد جامعه تنها از ۴ درصد درآمد ملی برخوردارند. بیش از ۴۰ درصد از مردم جمهوری دومینیک، یکی از همسایگان کوبا، از دسترسی به بهداشت محرومند و یک سوم آب آشامیدنی سالم ندارند. مرگ و میر نوزادان زیر یک سال ۴/۵ درصد است و ۷۰ درصد جمعیت در فقر وحشت ناکی به سر می برند. در نیکاراگوئه، بعد از شکست انقلاب ۱۹۷۹، نیمی از مردم زیر خط فقر به سر می برند و ۲۵ درصد از گرسنگی رنج می برند. در برزیل، بزرگ ترین و قدرت مندترین کشور آمریکای لاتین، ۳۲ میلیون نفر از ۱۵۰ میلیون جمعیت کشور از گرسنگی در عذابند و ۶۰ میلیون نفر به سوءتغذیه دچارند. در پرو ۵۳/۷ درصد خانواده ها در فقر مطلق به سر می برند و ۱۲ درصد کودکان از عقب افتادگی فکری رنج می برند.

نمونه کشورهای سومالی، رواندا و لیبیا در آفریقا نشان می دهد که این بحران می تواند به درهم پاشیدن شیرازه حیات ملی و جنگ داخلی نیز بیانجامد.

با این زمینه روشن است که مقاله ارژن با گزارش معضلات اقتصادی در کوبا نه مطلب جدیدی را مطرح می کند و نه کمکی به درک مشکلات و علل این مشکلات می نماید. معضلات اقتصادی کوبا به کرات در رسانه های گروهی آمریکا و اروپا جار زده شده است. البته این گونه گزارشات علت بحران اقتصادی کوبا را در انقلاب سوسیالیستی می بینند و تنها راه نجات مردم کوبا در یک ضدانقلاب سرمایه داری. اما ما به طور خلاصه اشاره کردیم که بحران اقتصادی در سطح جهان عمومیت دارد

^۶- National Strategies For Overcoming Micronutrient Malnutrition. World Health Organization (EB. ۸۹۱۲۷= Table ۱.

سوآلی که ما به دنبال جواب برای آن هستیم این است: علل و ویژگی بحران در کوبا چیست و راه خروج از آن کدامست؟

الف: «دوران ویژه»

در آستانه دهه ۱۹۹۰ کوبا در موقعیتی بهتر نسبت به اکثر کشورهای جهان قرار داشت. جدول زیر برخی از آمار اقتصادی و اجتماعی مربوط به دهه ۱۹۸۰ را به دست می دهد.^۷

مرگ و میر اطفال زیر یک سال در ازاء هر ۱۰۰ کودک (۸۸-۱۹۸۳)

طول عمر محتمل تولد (زنان) از (۸۸-۱۹۸۳)

تولید سرانه ناخالص ملی (به دلار ۱۹۸۸)

۱- ۲۳ کشور عضو «سازمان توسعه اقتصادی و تعاون» (عمدتاً کشورهای

صنعتی سرمایه داری) مرگ و میر اطفال ۰/۹ درصد عمر محتمل تولد (زنان) ۷۸

سال تولید سرانه ناخالص ملی ۱۷۰۹۷ دلار

۲۵۰۹	۷۶ سال	۱/۵	کوبا	۲-
۲۱۶۲	۷۴	۲/۲	شوروی و اروپای شرقی	۳-
۳۰۱	۷۰	۳/۹	چین، کره شمالی و ویتنام	۴-
۲۱۲۰	۶۴	۵/۴	آمریکای لاتین و دریای کارائیب	۵-
۱۵۵۹	۶۲	۵/۹	کشورهای آسیایی همرز اقیانوس آرام	۶-
۱۱۷۶	۶۴	۷/۱	خاورمیانه و شمال آفریقا	۷-
۳۱۹	۵۷	۱۰/۲	آسیای جنوبی	۸-
۳۱۹	۵۲	۱۰/۹	آفریقای سیاه	۹-

^۷ - The Economist: Book of Vital World Statistics. London: Randum House. ۱۹۹۰

در جدول فوق مناطق جهان برحسب شباهت نظام های اقتصادی- اجتماعی گروه بندی شده اند. در این جدول کوبا با میانگین هر منطقه مقایسه شده است. جز در مقایسه با مجموعه کشورهای صنعتی سرمایه داری از نظر سه شاخص فوق کوبا بر متوسط هر یک از مناطق دیگر جهان در سال های دهه ۱۹۸۰ پیشی داشته است. یک مقایسه با سه کشور نیمه صنعتی آمریکای لاتین آرژانتین، برزیل و مکزیک- موفقیت کوبا را بهتر برجسته می کند. در همین دوره تولید سرانه ناخالص داخلی برای این سه کشور به ترتیب ۲۷۵۹ دلار، ۲۴۵۱ دلار و ۲۱۰۲ دلار بوده است. در عین حال مرگ و میر اطفال زیر یک سال در ازاء هر ۱۰۰ کودک به ترتیب ۳/۲، ۶/۲ و ۴/۶ و طول عمر متحمل برای زنان در زمان تولد به ترتیب ۶۷ سال، ۶۸ و ۷۲ سال بوده است. در تمام این موارد کوبا در موقعیت بهتری قرار داشته است.

به دنبال فروپاشی اتحاد شوروی و تحولات در اروپای شرقی در سال های ۱۹۸۹-۹۱ کوبا در فاصله کوتاهی ۸۵ درصد تجارت خارجی و ۷۰ درصد از واردات و منابع اعتباری و مالی اش را از دست داد. نیازمندی های تولید اقتصادی- از غذا تا موادخام صنعتی، خصوصاً نفت کم یاب شدند. کارخانجات و ماشین آلاتی که سوخت شان از شوروی و قطعات یدکی شان از اروپای شرقی وارد می شد تدریجاً از کار افتادند. در سطح شهرها این وضع به کمبود وسایل نقلیه مسافری و اختلال در شبکه برق و آب و تلفن انجامید. به این دلیل که بخش مهمی از غذا و مواد اولیه برای تولید غذا از خارج وارد می شد، کمبود مواد غذایی پیش آمد.

در مرکز این بحران از کار افتادن قدرت تولیدی کشور بود. در سال ۱۹۹۳ صنایع کوبا تنها از ۱۵ درصد ظرفیت خود استفاده می کرد، در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۹ هشتاد و پنج درصد بود. واردات در ابتدای سال ۱۹۹۴ به یک چهارم و تولید ناخالص داخلی به ۶۵ درصد میزان ۱۹۸۹ تنزل یافته بود. برخلاف اقتصادهای سرمایه داری که اخراج کارگران با بحران های ادواری همراه است، دولت کوبا سعی در حفظ اشتغال و پرداخت دست مزد کارگران نمود. نتیجه این بود که کسر بودجه که

در سال ۱۹۸۹ به ۱/۴۰۲ میلیارد پزو تخمین زده می شد در سال ۱۹۹۳ به ۴/۲ میلیارد پزو بالغ شد. حجم عظیم پولی که در دست مردم قرار گرفته بود اما با عرضه ناچیز اجناس رو به رو شد این امر از یک طرف به عدم کفایت نظام کوپنی انجامید. چرا که پشتوانه این نظام تولید صنایع و کشاورزی است. و از طرف دیگر به ایجاد بازار سیاه که کالاهای آن از طریق دزدی و سوءاستفاده نیز تأمین می شدند، گردید. این دینامیسم اساس وضعی است که ارژن با آن روبرو شده و به توصیف نمونه هائی از آن پرداخته است. در سراسر کوبا این شرایط راه «دوره ویژه» می خوانند و عجیب است که در مقاله ارژن مطلبی در این باره نیامده است. اما برای درک عمیق تر «دوره ویژه» باید به تاریخ انقلاب کوبا برگردیم و با مشکلات آن آشنا شویم.

ب- انقلاب و ضدانقلاب در کوبا: امپریالیسم

انقلاب ۱۹۵۹ کوبا نقطه عطفی بود در ریشه کن ساختن روابط ما قبل سرمایه داری، که سطح نازل بارآوری کار و دیوان سالاری را دامن می زدند. جنبش توده ای دموکراتیک از همان ابتدا اما با ضدانقلاب امپریالیستی هدایت شده از واشنگتن رو به رو شد. پیوند روابط ما قبل سرمایه داری با امپریالیسم و سرمایه داران و زمین داران کوبائی به انقلاب دینامیسمی ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری نیز داد.

در آستانه انقلاب، ۲۳ درصد از بزرگ سالان بی سواد و ۲۵ درصد از مردان بیکار بودند. مرگ و میر اطفال زیر یک سال ۶ درصد بود. اقتصاد کشاورزی کشور تحت نظام لاتیفونداها (مزارع وسیعی که به اربابان غایب تعلق داشته و از شیوه های ابتدائی تولید استفاده می کردند) بود. یکی از اولین قوانین حکومت جدید قانون اصلاحات ارضی ۱۷ مه ۱۹۵۹ بود که زمین را به آنان که روی آن کار می کردند واگذار کرد و مزارع بزرگ را ملی ساخت. این قانون خشم سرمایه داران کوبائی و

خارجی را برانگیخت. مبارزه با بی سوادى تا آن جا پیش رفت که در سال ۱۹۶۱ تنها ۳ درصد از بزرگ سالان از سواد محروم بودند. نظام بهداشت و درمان، که سابق خارج از شهرها وجود نداشت. به روستاها تعمیم داده شد و به طور مجانی در اختیار همه قرار گرفت. اجاره خانه ها کاهش شدید یافتند. مبارزه با بیکارى شروع شد. نژادپرستی غیرقانونی اعلام شد. مبارزه برای مساوات و عدالت اجتماعی آغاز شده بود.

در عکس العمل به این وقایع در سوم ژانویه ۱۹۶۱ ایالات متحده روابط دیپلماتیک با کوبا را قطع نمود و محاصره اقتصادی انقلاب را آغاز کرد. در شرایطی که ۸۰ درصد تجارت خارجی کوبا با ایالات متحده بود این امر لطمه بزرگی به انقلاب می زد.

در سال ۱۹۹۲، زمانی که به دنبال از دست رفتن روابط تجاری، مالی و اقتصادی با اتحاد شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی، کوبا با بحران عمیقی روبه رو شده بود، کنگره آمریکا لایحه ی «دموکراسی کوبا» را تصویب کرد. هدف از این قانون، به گفته تروپلی، تنظیم کننده آن. از بین بردن انقلاب کوبا بود^۱ بخشی از این قانون، کشتی ای را که در بنادر کوبا لنگر بگیرد از بازدید از بنادر آمریکا برای ۶ ماه محروم می کند. در همین امتداد دولت آمریکا به کشورهای ثالث فشار وارد کرد تا از ارسال کالاهانی که بیش از ۱۰ درصد مواد ساختمانی آن ها ساخت ایالات متحده است به کوبا خودداری کنند. مؤسسات کشورهای ثالث که توسط شرکت های آمریکایی خریداری شده بودند از صدور کالا به کوبا منع شدند.

دولت کوبا تخمین زده است که محاصره اقتصادی آمریکا تا سال ۱۹۹۳ جمعاً ۴۱ میلیارد دلار خسارت به اقتصاد کوبا وارد ساخته است.

^۱- S.Greenhouse. "President Considers a Cuban Blockade". The New York Times, August ۲۲, ۱۹۹۴.

خصوصیت آمریکا با انقلاب کوبا البته فراتر از محاصره اقتصادی، ابعاد سیاسی، دیپلماتیک و نظامی نیز دارد. اما ذکر جنبه هائی از بُعد اقتصادی تلاش ضدانقلاب امپریالیستی در چارچوب تاریخی قرن گذشته برای درک ریشه های بحرانی که ارژن از آن یاد می کند اساسی است، به علاوه این بعد ادامه دارد و تشدید نیز شده است. به دنبال سرنگون کردن دو فروند هواپیمای نیروهای ضدانقلابی کوبائی مستقر در فلوریدا توسط جنگنده های کوبا در ۲۴ فوریه سال جاری، واشنگتن لایحه «آزادی کوبا و همبستگی دموکراتیک» را به قانون تبدیل کرد. این قانون همه فرمان های رؤسای جمهوری ایالات متحده در مورد محاصره اقتصادی کوبا را دربر دارد و اختیار لغو آن ها را- که سابقاً با رئیس جمهور بود- به کنگره تفویض کرده است. کنگره نیز تنها زمانی اجازه لغو محاصره اقتصادی را خواهد داشت که ۸ «خواست» دولت آمریکا در تضمین انتقال قدرت به یک «حکومت انتقالی» برآورده شده باشد. به عبارت دیگر سیاست مداران آمریکا در آستانه قرن بیست و یکم ادعا دارند که حق دارند و می توانند حکومت مطلوب خویش را در هر کشوری که سلاح دیدند به سر کار بیاورند! علیرغم شعارهای عوام فریبانه که در متن قانون به چشم می خورد، مانند «آزادی همه نوع فعالیت سیاسی»، «آزادی همه زندانیان سیاسی»، «برگزاری انتخابات آزاد» و «استقرار اتحادیه ی کارگری مستقل» محتوی این قانون چیزی کم تر از انجام یک ضدانقلاب اجتماعی در کوبا نیست. خواست های اساسی مطرح شده در این قانون «احترام به مالکیت خصوصی»، «حق ایجاد شرکت های خصوصی و وسایل ارتباط جمعی خصوصی»، بازگشت و تابعیت مجدد کسانی که در کوبا متولد شده اند»، «بازگشت املاک مصادره شده توسط دولت کوبا به اتباع و شرکت های آمریکائی» و یا «پرداخت غرامت به آن ها»ست تا ضدانقلاب اجتماعی تضمین شود. قانون جدید خواهان انحلال دانه امنیت وزارت کشور کوبا، انحلال «کمیته ها برای دفاع از انقلاب» و «بریگادرهای عکس العمل سریع» و عدم جلوگیری از رسیدن امواج رادیو و تلویزیون، بنگاه تبلیغاتی ای که واشنگتن در فلوریدا علیه انقلاب کوبا

به راه انداخته است شده است. خصوصیت امپریالیستی این قانون تا آن حد است که حتا حقوق شرکت های کشورهای ثالثی را که در سال های اخیر در کوبا سرمایه گذاری کرده اند به زیر سوال می کشد. دارانی های این شرکت ها می تواند در دادگاه های آمریکا مورد ادعای شهروندان و شرکت های آمریکائی که اموال شان در کوبا مصادره شده است قرار بگیرد. رؤسای این گونه شرکت ها و اقوام شان از دریافت ویزای آمریکا منع می شوند. از این رو کشورهای کانادا، مکزیک و اتحادیه اروپا از این قانون به مراجع بین المللی، منجمله «سازمان تجارت جهانی» شکایت برده اند.

ج- انقلاب و ضدانقلاب در کوبا: استالینیسیم

سرچشمه بحران عمیق اقتصادی سال های اخیر اما چرخش نادرست رهبری انقلاب کوبا در جهت اتخاذ مدل توسعه حاکم بر اتحاد شوروی در اروپای شرقی بود که از اوائل دهه ۱۹۷۰ رخ داد. فیدل کاسترو طی نطقی در کنگره «اتحادیه نویسندگان، هنرمندان کوبا» در نوامبر ۱۹۹۲ با اشاره به فروپاشی رژیم های حاکم بر اتحاد شوروی و اروپای شرقی می گوید: «همه، انقلابیون و غیرانقلابیون، انتظار داشتند که اردوگاه سوسیالیست و اتحاد شوروی هم چنان پایدار بمانند، همان گونه که همه انتظار دارند خورشید هر روز طلوع کند. آن چه که بر ما رفت این بود که یک روز دیگر خورشید طلوع نکرد؛ نه ساعت ۶ بامداد، نه ساعت ۷، نه ساعت ۱۰، نه حتا در رأس ظهر و ما در میان این تاریکی است که باید به دنبال راه حل بگردیم.» این ارزیابی سیاسی نادرست، مترادف شمردن انقلاب روسیه با رژیم های ضدکارگری و بوروکراتیک حاکم بر اتحاد شوروی و اروپای شرقی، عامل اتکاء بر روابط با این رژیم ها و باعث ایجاد بحران عمیق سال های اخیر شد.

در حالی که جنبش ۲۶ ژوئیه کوبا^۹ جدا از سنت استالینیستی حاکم بر بین الملل کمونیست بعد از لنین و حزب سوسیالیست خلق کوبا (که پیش از ۱۹۴۴ حزب کمونیست نام داشت) شکل گرفت. همین امر نیز ضامن استراتژی انقلابی این جنبش و موفقیت آن در سرنگونی انقلابی دیکتاتوری باتیستا شد. چرخش رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه بعد از پیروزی انقلاب به سوی اتحاد شوروی نه از روی تقارب نظری، برنامه یا خط مشی سیاسی که براساس نیازهای عینی انقلاب کوبا در شرایط رویارویی با امپریالیسم و سرمایه داری بومی بود. در این شرایط همکاری با حکومت هایی که خود را وارث انقلاب روسیه، انقلاب چین و انقلاب در اروپای شرقی، خصوصاً در یوگسلاوی، معرفی می کردند نه تنها امری طبیعی که لازم بود. در عین حال رهبری جنبش ۲۶ ژوئیه ارزیابی سیاسی ای از این رژیم ها نداشت.

این چرخش در سیاست خارجی کوبا تصحیح سیاست کمونیست ستیزی بود که در زمان حکومت های طرفدار سرمایه داری و امپریالیسم، خصوصاً دوران باتیستا در کوبا رایج شده بود. از این رو رهبری انقلاب قدم های مهمی را جهت معرفی این کشورها به مردم کوبا برداشت. در سال ۱۹۶۰ ارنستو چه گوارا در رأس هیئتی برای دو ماه به بازدید کشورهای اروپای شرقی مشغول شد. او که پیش از همه با آثار مارکس آشنا بود بعد از سفرش به کشورهای اروپای شرقی به نقد مدل توسعه حاکم

^۹ - فیدل کاسترو که از رهبران دانشجویی بود، در ۲۶ ژوئیه ۱۹۵۲ همراه با ۱۲۵ مبارز دیگر دست به حمله مسلحانه بی علیه پایگاه نظامی مونگادا در شهر سانتیاگو در کوبا زد. این خیزش نظامی اگر چه فوراً با شکست مواجه شد و تلفات سنگینی داد اما به زودی از طریق ایجاد و گسترش رابطه در شهرها و عضوگیری از دهقانان، صفوفش تقویت شد و حماسه ای جنگ انقلابی بی را که دو سال به طول انجامید، پایه ریخت که سرشار از درس های غنی برای مبارزان است. درس هایی که توسط گوارا ثبت شده و خواننده ی علاقه مند می تواند به آن رجوع کند. Ernesto Che Guevara. Episodes of The Cuban Revolutionary

War: ۱۹۵۴-۵۸. New York: Pathfinder Press, ۱۹۹۶.

بر آن‌ها پرداخت. کادرهای رهبری انقلاب کوبا خود به هیچ وجه از یک نظریه مشترک پیروی نمی‌کردند. در سال‌های اول دهه ۱۹۶۰ بحث داغی در مورد قانون ارزش و رابطه آن با ساختمان سوسیالیسم در گرفت. ایده مرکزی حاکم بر احزاب طرفدار مسکو توسط استالین فرمول بندی شده بود: او در «مسائل اقتصادی سوسیالیسم در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی» به سال ۱۹۵۲ ادعا کرده بود که کلید گذار به سوسیالیسم آشنا شدن با قوانین حرکت سرمایه داری، از جمله قانون ارزش است. استالین تصریح داشت که می‌توان این قوانین را «یاد گرفت، بر آنان مسلط شد و با فهم کامل به کار گرفت و از آنان در جهت منافع جامعه استفاده برد. به این ترتیب این قوانین به زیر سلطه انسان می‌آیند و چیره شدن انسان بر آن‌ها تضمین می‌شود.»^{۱۰}

چه گوارا با استفاده از عقاید مارکس به نتیجه ای متضاد رسیده بود. مبارزه برای سوسیالیسم یعنی محدود کردن حوزه عملکرد قانون ارزش و بازار. سوسیالیسم تنها با از بین رفتن قانون ارزش می‌تواند پیروز شود. پس مبارزه برای سوسیالیسم مبارزه برای آگاهی و عمل کمونیستی است. از این رو تنها آن ابزار و شیوه‌ها که به رشد آگاهی کارگر و زحمت‌کشان دامن می‌زنند در امر ساختمان سوسیالیسم مجاز هستند. برعکس اتکاء به انگیزه‌های مادی و مکانیسم بازار جلوی رشد آگاهی کارگری و کمونیستی را می‌گیرند.^{۱۱} جدل سیاسی سال‌های اول دهه ۱۹۶۰ در کوبا

^{۱۰} - J.V. Stalin. Economic Problems of Socialism in The U.S.S.R (Peking. Foreign Languages Press, ۱۹۷۲). P.۸

^{۱۱} - برای نقد چه گوارا از نظام‌های مستقر در اروپای شرقی و اتحاد شوروی نگاه کنید مصاحبه او با الطلیعه در آوریل ۱۹۶۵ در Che: SELECTED works of ERNESTO Guevara, Nelson P. valdes and Rolande E. Bonacha, Editors Cambridge: MIT Press. P.۹۶۹. همین‌طور نگاه کنید به: Carlos Tablada, CHEGUE VARA:

به «بحث انگیزه های مادی یا اخلاقی» معروف شده و اگر چه طرفین این بحث از کادرهای جنبش ۲۶ ژوئیه بودند، جای شکی در مورد ابعاد بین المللی مسأله وجود نداشت.

اهمیت گوارا در این بود که در مقام ریاست بانک مرکزی کوبا و وزارت صنایع آن کشور کوشید تا استراتژی رشد دهنده آگاهی سوسیالیستی را با فعالیت اقتصادی توده کارگر تلفیق کند. بررسی عقاید چه گوارا در این زمینه- که غنی ترین تعیم استراتژی کمونیستی در دوره بعد از انقلاب روسیه می تواند تلقی شود- برای همه علاقه مندان به مسایل سوسیالیسم آموزنده خواهد بود.^{۱۲} آن چه در این جا باید گفت اینست که استراتژی پیشنهادی گوارا که در سال های اول دهه ۱۹۶۰ تا حدی به کار گرفته شد هرگز در کوبا غالب نشد. کشته شدن گوارا در بولیوی، در سال ۱۹۶۷، تداوم بازگشت به مارکس را به هم زد. فیدل کاسترو و سایر رهبران انقلاب کوبا که برای ارزش های اخلاقی پیشنهادی گوارا مبارزه کردند. استراتژی وی را برای مدیریت و کنترل اقتصادی دنبال نکردند. در نتیجه شکافی بین اهداف سیاسی والای انقلاب و شرایط اقتصادی به وجود آمد که به اشتباهات ماوراء چپ رهبری و نتایج نامطلوب اقتصادی در اواخر دهه ۱۹۶۰ انجامید. به دنبال شکست طرح کشت نیشکر در سال ۱۹۷۰، که محصول اندکی به دست داد، رهبری انقلاب کوبا پذیرفت که به پیروی از مدل توسعه اقتصادی اتحاد شوروی تن در دهد و به نظام تقسیم کار کومکون (شورای هم کاری های متقابل اقتصادی) به پیوندد. در این دوره اقتصاد کوبا در زمینه های متعدد چون نیشکر، نیکل، تنباکو، مرکبات موادغذائی دریائی و صنایع

Economics and Politics of Transition To Socialism, Aydney: Pathfinder
Pacific and Asia

^{۱۲} - کتاب تابلادا نتیجه ۲۰ سال تحقیق او در مورد نظرات گوارا در زمینه گذار به سوسیالیسم است و نقد چه را از الگوهای اتحاد شوروی و اروپای شرقی را در بطن طرح نظرات وی مطرح می کند.

بیولوژیک پیشرفت های مهمی داشت. اما در همین دوره کوبا از نظر رفع احتیاجات اساسی اش چون غذا، مواد اولیه، سوخت و تکنولوژی به کومکون وابسته شد. در عین حال مدل جدید توسعه که بر اساس ارزش های مادی استوار بود، روحیه خودمحموی را بین کارگران و زحمت کشان دامن زد، به گسترش بوروکراسی کمک کرد و به یأس سیاسی عده زیادی انجامید. یک بار دیگر بین سیاست و اقتصاد شکاف افتاد و بحران جدیدی در کوبا به وجود آمد. از اوائل دهه ۱۹۸۰ رانول کاسترو طی سخنرانی هایی به این مشکلات اشاره می کرد. در سال ۱۹۸۶ بعد از یک سری بحث های اساسی، رهبری انقلاب کوبا «پروسه تصحیح» را با هدف چرخش در جهت استراتژی چه گوارا آغاز کرد^{۱۳}. مطالعه این چرخش و علل آن به زبان خود رهبران انقلاب کوبا و چگونگی انعکاس و عملکرد آن در جامعه کوبا بسیار ارزنده است. اما در این جا به این واقعیت اشاره می کنم که راه بازگشت صدها هزار نفر کوبائی به صحنه سیاست و عمل از طریق بسیج گروه های داوطلب برای انجام پروژه های اجتماعی- چون ساختن مسکن، مهدکودک، پلی کلینیک و مدارس- باز شد. همراه این جریان، حزب کمونیست به نوسازی رهبری خود پرداخت و گروه جدیدی از کارگران، داوطلبان دفاع از آنگولا، جوانان و زنان وارد لایه های رهبری شدند. اما فروپاشی رژیم های استالینیست در اتحاد شوروی و اروپای شرقی و به همراه آن از همه گسسته شدن پیوندهائی که رهبری انقلاب کوبا برای برنامه های اقتصادی کشور بر آن متکی بود به آغاز بحرانی عمیق انجامید و «پروسه تصحیح» نیمه کاره باقی ماند.

^{۱۳} - کتاب تابلادا که در یادداشت شماره ۱۲ بهترین راهنمای رجوع به آثار چه گوارا در این زمینه است که البته نباید جایگزین مطالعه آثار چه بشود. چندین مجموعه آثار از گوارا به زبان اسپانیولی وجود دارد. اما کلیات آثار چه گوارا در دست نیست. به زبان انگلیسی کتاب CHE And The Cuban Revolution چاپ پات فایندر مقالات اساسی وی را دربر دارد.

د- انقلاب و ضد انقلاب در کوبا: موانع داخلی

به دلایل تاریخ که بررسی آن از حوصله این مقاله خارج است. انقلاب جهانی به صورت موجی از جنبش های تولیدکنندگان مستقیم، کارگران ولی عمدتاً دهقانان، در کشورهای حاشیه ای جهان سرمایه داری به موفقیت هائی دست یافت. سوسیالیست های انقلابی، منجمله رهبران انقلاب اکتبر، همواره می دانستند که جهت گیری سوسیالیستی در این کشورها تنها در صورت پیروزی جنبش کارگری در کشورهای صنعتی سرمایه داری می تواند موفق باشد. در غیر این صورت عقب ماندگی اقتصادی، سطح نازل رشد نیروهای مولده، قلیل بودن و بی تجربه بودن پرولتاریا صنعتی، نازل بودن بارآوری کار و تهاجم امپریالیستی جملگی باعث وجود و رشد دیوان سالاری خواهد شد. در اتحاد شوروی این شرایط به بیرون راندن کارگران و زحمت کشان از صحنه سیاست و شکست سیاسی انقلاب اکتبر انجامید. تفاوت اساسی در کوبا در این است که رهبری انقلاب نه از درون سنت شکست انقلاب اکتبر، استالینیسم جهانی، زاده شده بود و نه هرگز تسلیم بوروکراسی داخلی جامعه کوبا شده است. اما پیروزی انقلاب کوبا و استقرار قدرتی بر پایه جنبش کارگران و دهقانان، علیرغم سمت گیری رهبری، به معنی استقرار سوسیالیسم در این کشور نیست. به همین روال کوبا جامعه ای طبقاتی است و تداوم فعالیت ضدانقلابی سرمایه داران وابستگان به رژیم پاتیستا پس از ۲۷ سال، علاوه بر حمایت و هدایت امپریالیست ها، نشانه وجود بخش های مخالف انقلاب در درون جامعه کوبا نیز هست. وجود دیوان سالاری (بوروکراسی) در کوبا، که ماهیتاً در جهت بیرون راندن تولیدکنندگان مستقیم، کارگران و دهقانان، از صحنه سیاسی عمل می کند، بر هیچ انقلابی ای پنهان نیست. فیدل کاسترو و رهبران دیگر انقلاب به کرات به مشکل دیوان سالاری پرداخته اند و مبارزه علیه آن را سازمان داده اند.

اما وجود دیوان سالاری نتیجه شرایط عینی انقلاب کوبا است و بدون تغییر کیفی در این شرایط نمی توان این مشکل را حل کرد. طبقاتی بودن جامعه کوبا و وجود قشر دیوان سالار، خود را در درون حزب کمونیست و سیاست های آن نیز منعکس می کند. چرخش هائی که در این نوشته به آن ها اشاره شده است، در اوائل دهه ۱۹۷۰ و سپس در سال های میانی دهه ۱۹۸۰ نمایان گر چنین مبارزه ای است شرایط بحران عمیق اقتصادی در سال های ۱۹۹۰ به قطبی تر شدن جامعه کوبا و تشدید مبارزه طبقاتی انجامیده است. از این واقعیت، متأسفانه در نوشته ارژن خبری نیست.

در کنفرانسی که من امکان شرکت در آن را داشتم، عکس العمل برخی از دوانر آکادمیک به بحران اقتصادی در چنگ زدن به نوعی دورنمای «سرمایه داری تخیلی» شباهت داشت. یک اقتصاددان کوبائی اصرار داشت که محاصره اقتصادی کوبا توسط آمریکا به ضرر واشنگتن است. پیشنهاد او این بود که دولت آمریکا برای ایجاد یک بلوک اقتصادی مشابه قرار داد «نفتا» (قرارداد تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) که بین کانادا، ایالات متحده و مکزیک عملی شده است، با دولت کوبا وارد مذاکره شود! اقتصاددان دیگری استدلال می کرد که برخلاف نظر گوارا، انسان تنها از طریق انگیزه های مادی عمل می کند. نتیجه مستتر البته غیر عملی بودن سوسیالیسم است. عده بیشتری طرفدار سیاست های اقتصادی حزب کمونیست چین بودند و استدلال می کردند که تنها از طریق سرمایه گذاری های خارجی در کوبا و به راه انداختن بازار آزاد می توان بحران اقتصادی را حل کرد.

از سوی دیگر در همین کنفرانس بحث مهمی در مورد نیاز به بازگشت به افکار و پیشنهادات گوارا مطرح بود. برای اولین بار در سطح وسیعی تاریخ سیاسی اتحاد شوروی مورد یک بررسی منظم و جدی قرار گرفته است. در کوبا کتاب های راهنمای گوناگون چاپ مسکو که برای سالیان زیادی در دانشگاه ها استفاده می شد به کناری گذاشته شده اند و بازگشتی به تفکر مستقل براساس تجربه انقلاب و بررسی متون

کلاسیک سوسیالیستی و نقد انحطاط انقلاب روسیه صورت می‌گیرد. در دیدارمان از دانشگاه پلی تکنیک و انستیتوی تربیت معلم و در ملاقات با نمایندگان سازمان دانشجویان دانشگاه هاوانا و اتحادیه جوانان کمونیست این چرخش به وضوح دیده می‌شد. در عین حال در همه جا به اتحاد شوروی و اروپای شرقی هنوز به عنوان «اردوگاه سوسیالیستی» اشاره می‌شد. اما بخش وسیعی مشغول تحلیل علل «ناپدید شدن» یک باره ی این «اردوگاه» هستند.

۴ - پارلمان های کارگری

هم زمان، کارگران و زحمت کشان کوبانی در جوش و خروش هستند تا با بحران موجود رو به رو شوند و بر آن فائق آیند. و این مهم ترین ویژگی دوره حاضر است که در مقاله ارژن از آن اثری نیست. من به دو جنبه اساسی تحولات سال های اخیر اشاره می‌کنم. تشکیل «پارلمان های کارگری و ایجاد تعاونی های کشاورزی».

مجلس ملی کوبا طی جلساتی در دسامبر ۱۹۹۳ به بررسی راه حل خروج از بحران عمیق اقتصادی مشغول شد. طی این جلسات وزیر امور مالی کوبا، خوزه لونس رودریگز، پیشنهاد وضع یک قانون مالیاتی برای کشور را عرضه کرد: او استدلال کرد که نیاز به ایجاد یک آگاهی مالی در بین مردم کوبا احساس می‌شود. رودریگز ادعا کرد که چنین آگاهی وجود داشته اما از بین رفته است. مدت هاست که اقتصاددانان طرفدار نظام بازار در کوبا و بورکرات های همراه با حکومت های «دوست» چون حکومت اسپانیا، و مؤسسات مالی بین المللی که از جانب قدرت های امپریالیستی هدایت می‌شوند، چون صندوق جهانی پول، از کوبا خواسته اند که دست به ایجاد یک نظام مالیاتی بزنند. در ضمن بحث، فیدل کاسترو در جواب رودریگز گفت: «نه، نه، نه! ما هرگز چنین آگاهی را نداشته ایم [تا از دست بدهیم]. آن نظام مالیاتی که از بین رفت، نظام بورژوازی مالیات بود.» او یادآور شد که لغو آن نظام از دستاوردهای انقلاب و قدمی در جهت تحکیم مواضع پرولتری بوده است. انقلاب کوبا

نظام کوپنی را جایگزین مالیات کرد. نظام مالیاتی همراهی با مالکیت خصوصی و بازار دارد و نظام کوپنی همسویی با مالکیت اشتراکی بر ابزار تولید اجتماعی و برنامه ریزی متمرکز اقتصادی، انقلاب از طریق مالکیت اشتراکی و نظام کوپنی بود که توانست دستاوردهای اجتماعی و برنامه توسعه را هزینه کند. کاسترو ادامه داد: «ما هزاران مدرسه، صدها و صدها بیمارستان و بسیار چیزهای دیگر [از این طریق] ایجاد کردیم، بدون این که قیمت شیر یک سنت بالا برود.» او توضیح داد که توزیع عادلانه غذا، لباس و سایر مایحتاج مردم تنها براساس نظام کوپنی میسر بوده است و افزود: «اقتصاددانان مرا به وحشت می اندازند... من معتقدم که امور را باید از زاویه سیاسی بررسی کرد. عقایدی که از طریق متخصصین عرضه می شود باید از دیدگاه سیاسی تحلیل شود... یک برخورد تکنوکراتیک را نمی توان برای حل این مشکلات به کار گرفت.» پیشنهاد او به مجلس ملی این بود که کل طرح های پیشنهادی در آن مجلس به بحث کارگران کوبا سپرده شود.

در فاصله ژانویه تا اول ماه مه ۱۹۹۴، زمانی که قرار شد مجلس ملی دوباره برای تعیین سیاست های مبارزه با بحران اقتصادی به بحث بنشیند، هشتاد هزار «پارلمان کارگران» با شرکت ۲ میلیون کارگر کوبایی برگزار شدند. این جلسات نه تنها به بررسی پیشنهادهای مطرح شده در مجلس ملی نشستند بلکه عقاید دیگری را که کارگران مهم می دانستند به بحث گذاشتند. حاصل این جلسات بحث توسط «تشکیلات مرکزی کارگران کوبا» که سازمان فراگیر همه اتحادیه ای کارگری در این کشور است، جمع بندی شد و در اختیار مجلس ملی قرار گرفت. در جلسه ماه مه مجلس ملی، خوزه لونیس رودریگز گزارش داد که «کارگران در گردهمایی و بحث خود موضعی روشن علیه مالیات بر دست مزد اتخاذ کرده اند.» مجلس ملی سرانجام رأی به وضع مالیات بر درآمد ولی نه بر دستمزدها داد. این تصمیم مبتنی بر واقعیت اخیر در جامعه کوبا بود.

در سپتامبر ۱۹۹۳ دولت مشاغل فردی (خودکار) را در ۱۴۰ رشته آزاد اعلام کرد و تا ژوئیه ۱۹۹۴ بیش از ۱۶۷۰۰۰ جواز کسب صادر نمود. در شرایط بحران اقتصادی، این حرفه ها درآمدی به مراتب بیشتر از دست مزد کارگران دارند. برخی از این کسبه روزی ۱۰۰۰ پزو درآمد داشتند در حالی که دست مزد متوسط ماهانه کارگران حدود ۱۵۰ پزو بود. از این رو مجلس ملی رأی به اخذ مالیات از این کسبه را داد چرا که این افراد کمابیش از خدمات اجتماعی دولتی بدون پرداخت وجهی استفاده می کنند. مجلس ملی همین طوره پیشنهاد کارگران مجازات سنگین تری برای جرائم اقتصادی تصویب کرد. در شرایط بحران اقتصادی و گسترش بازار سیاه، حیف و میل و دزدی از مراکز تولیدی افزایش شدیدی یافته است.

«تشکیلات مرکزی کارگران کوبا» به ابتکار پدرو لیئل رُس (Pedro Leal Ross)، منشی کل تشکیلات و عضو کابینه، در صدد برگزاری دور دومی از «پارلمان های کارگران» بر آمد. این جلسات تا آخر سال ۱۹۹۴ در سراسر کشور برقرار شدند و هدف آن ها نقد نقش مدیریت و طرح نیاز به درگیری کارگران در هدایت تولید بود.

دوره سوم جلسات بحث کارگران در سال ۱۹۹۵ به دور مسئله بالابردن بارآوری کار- که مسئله مرکزی اقتصاد است- سازمان یافت. در ماه های اول سال جاری دور جدیدی از جلسات کارگری در سراسر کوبا برقرار شد تا سند مرکزی کنگره هفدهم «تشکیلات مرکزی کارگران کوبا» را که در آخر ماه آوریل با نظارت نمایندگان کارگری از سراسر جهان و شرکت ۱۹۰۰ نماینده منتخب کارگران در هاوانا برگزار شد، به بحث بگذارند. این سند به عنوان ضمیمه نشریه تراباجادرس (Trabajadores کارگران) در ماه نوامبر ۱۹۹۵ چاپ شده و در اختیار کارگران همه کشورها قرار گرفته بود. محتوی سند ناشی از تجربه و بحث های کارگران در سه دوره از جلسات کارگران است. در بحث بر سر این سند امکان ارائه پیشنهادات

متقابل و تکمیلی بر آن فراهم بود و نمایندگان کنگره در همین جلسات از میان کارگران انتخاب شدند.

۵- «واحد‌های اساسی تولید تعاونی»

تجدید سازمان تولید کشاورزی که از سپتامبر ۱۹۹۳ آغاز شد و در جلسه دسامبر مجلس ملی به تصویب رسید حائز اهمیت فراوان است. هشتاد درصد زمین زیر کشت در کوبا به مزارع دولتی تعلق داشت. در این دوره مزارع دولتی نیشکر، مرکبات، تنباکو، سبزیجات و سایر مواد خوراکی و سرانجام دامداری ها و تولید لبنی به ترتیب به تعاونی کشاورزی تبدیل شدند. تا اواسط ۱۹۹۴ حدود ۱۶۰۰ تعاونی نیشکر و ۱۱۰۰ تعاونی دیگر بوجود آمده بود. نیروی کار متوسط در این مزارع، که به «واحد‌های اساسی تولید تعاونی» مشهور هستند، متشکل از حدود صد کارگر است.

تعاونی ها صاحب محصولات خود هستند که با نرخ معینی به دولت فروخته می شود. ماشین آلات مزارع دولتی با اقساط دراز مدت و بهره کم به تعاونی ها واگذار شده است. ابزار و وسایل برای تولید از محل درآمد تعاونی ها خریداری می شود تفاوت درآمد و هزینه هر تعاونی بین اعضا آن- که عمدتاً کارگران مزارع دولتی سابق هستند- براساس نقش آن ها در تعاونی و بارآوری کاری شان تقسیم می شود. تعاونی ها در سطح بالایی از نظر مواد غذایی خودکفا هستند. زمین کشاورزی اما هم چنان ملی باقی مانده است: نمی توان آن را فروخت. اجاره داد. به ارث سپرد. به رهن داد و یا به ودیعه گذاشت. مدیریت تعاونی ها در سه سال اول تأسیس از مدیریت مزارع دولتی سابق برگزیده شده اند بعد از این مهلت، تعاونی ها مدیریت خویش را انتخاب خواهند کرد. عضویت در تعاونی ها داوطلبانه است.

بعد از دومین مرحله اصلاحات ارضی در کوبا در سال ۱۹۶۳، این تغییرات مهم ترین تجدید سازمان در وضع تولید و کار در بخش کشاورزی است. اصلاحات

ارضی نقشی کلیدی در تقویت اتحاد بین کارگران و دهقانان ایفا کرد. برخلاف اکثر کشورهای آمریکای لاتین، اکثریت بزرگی از زحمت کشان روستا در زمان انقلاب ۱۹۵۹ کارگر مزدبگیر بودند. اما میل به داشتن زمین در بین این زحمت کشان بالا بود و جنبش ۲۶ ژوئیه حتی قبل از پیروزی انقلاب دست به تقسیم اراضی بین کسانی که بر روی زمین کار می کردند، زد. این امر طیف وسیعی از دهقانان خودکار را به وجود آورد. از سوی دیگر مزارع مکانیزه سرمایه داران بزرگ به تعاونی کشاورزی تبدیل شدند. در هر صورت زمین در کوبا ملی اعلام شد. در سال ۱۹۶۳ بخش مهمی از این تعاونی ها داوطلبانه به مزارع دولتی تبدیل شدند و این امر قدم مهمی در پیوند کارگران شهر و روستا شد. در نتیجه تصمیم اخیر در بازگشت مزارع دولتی به تعاونی های کشاورزی در وهله اول مظهر تضعیف موضع کارگران و انقلاب است.

بحران عمیق واحدهای دولتی کشاورزی ناشی از کاربرد مدل بوروکراتیک وارداتی از اتحاد شوروی و اروپای شرقی است. گزارشات متعدد در مطبوعات کوبا حکایت از آن دارد که تا ۵۰ درصد از افراد شاغل در مزارع دولتی در کار تولید نقش مستقیمی نداشتند. این امر از یک طرف به آفت بارآوری کار در این واحدها انجامید و از طرف دیگر مانع شرکت کارگران در تصمیمات مربوط به آن ها شد و به یأس سیاسی بخشی از آن ها انجامید.

فیدل کاسترو در سخنرانی ۷ نوامبر ۱۹۹۳ خطاب به واحد حزب کمونیست در ایالت هاوانا گفت: «واقعیت این است که آن چه در مزارع دولتی اتفاق افتاد، در بسیاری از کارخانجات و صنایع نیز به وقوع پیوسته بود. همه آن ها کادر اداری بیش از حد بزرگی داشتند. در استخدام افراط شد. رفتار پدرمآبانه (Paternalism) و سطح نازل توقع در تولید رایج بود. باید صریح بود: این مسائلی است که انقلاب ما به وجود آورده است.»

تفاوت کوبا با اتحاد شوروی و اروپای شرقی دقیقاً در این جا روشن می شود. در مورد کوبا اتخاذ این سیاست ها که به رواج بوروکراسی انجامید ناشی از اشتباهات

بوده است. در نتیجه در کوبا در هر مقطع بحرانی قدم های اساسی برای مقابله با این مشکلات در جهت درگیر شدن تولیدکنندگان مستقیم- کارگران و دهقانان- در همه زمینه ها برداشته شده است. در اتحاد شوروی و اروپای شرقی این دست سیاست ها آگاهانه به منظور بیرون راندن کارگران از عرصه سیاست و وظائف کنترل و مدیریت تولید اتخاذ می شدند. صاحبان قدرت در این کشورها به هنگام بحران نیز ترجیح دادند تا سر بر محراب امپریالیست ها و سرمایه داری جهانی بگذارند ولی هرگز دست به بسیج کارگران و زحمتکشان نزنند و جلوی هر قدم مستقل آن ها را بگیرند.

در نتیجه عقب نشینی انقلاب کوبا در بخش کشاورزی و ایجاد تعاونی های کشاورزی با واقعیت بحران کنونی بیشتر منطبق است و امکان حرکت در جهت تقویت قدرت کارگران شهر و روستا را ایجاد نموده است.

انقلاب و کارگران تقویت شده اند

نتیجه این اقدامات تقویت موقعیت انقلاب و کارگران بوده است. تولید ناخالص داخلی در سال ۱۹۹۵ (دو ونیم درصد رشد داشت و این وضع امسال نیز ادامه دارد. کسری بودجه دولت که در سال ۱۹۹۳ سی و چهار درصد بود در سال ۱۹۹۵ به پنج درصد تقلیل یافت. نرخ تبدیل پزو به دلار از ۱۵۰ به ۱ در سال ۱۹۹۴ به ۲۲ به ۱ در اوائل سال جاری رسیده است. تولید نیکل، ماشین آلات و نیشکر رو به افزایش گذاشته است. تولید نیشکر، که مهم ترین محصول کوبا است و ۳/۳ میلیون تن، پایین ترین میزان در ۵۰ سال اخیر، تنزل یافته بود. امسال کارگران کوبانی توانستند از مرز تعیین شده ۳/۵ میلیون تن نیشکر تصفیه شده فراتر بروند. تولیدات میوه و سبزیجات بهبود آشکار داشته اند و مواد غذایی در سطح بالاتری در بازارهای مخصوص عرضه می شود، اگرچه هنوز قیمت ها بالاست. قطع برق به چند ساعت در هفته تقلیل یافته و وسایل نقلیه عمومی مرتب تر رفت و آمد دارند. فیدل کاسترو در سخنرانیش خطاب به نمایندگان حاضر در هفدهمین کنگره «تشکیلات مرکزی

کارگران کوبا» که در اواخر ماه آوریل برگزار شد. ضمن برشمردن این موفقیت ها، گفت: «آن چه که بیش از همه توجه مرا جلب کرده است، چگونگی ترقی نحوه ی برخورد مردم [با این مشکلات] است... تا این حد که ایده ی کارائی اقتصادی در بین مردم ما ریشه دوانیده است و این یکی از مهم ترین و تعیین کننده ترین نتایج این کنگره است.» واقعیت نیز این است که کارگران نقشی مستقیم تر در بهبود تولید، بارآوری، شرایط کار، کاهش هدر رفتن منابع در مؤسسات تولیدی دولتی دارند.

این پیشرفت محسوس در صحنه اقتصاد و سیاست، روحیه مبارزه جوتری در کارگران کوبائی ایجاد کرده است. امسال پس از ۳ سال کوبائی ها مراسم اول ماه مه را جشن گرفتند. بحران اقتصادی در سال های قبل مانع برگزاری این مراسم شده بود. جشن امسال یکی از بزرگ ترین مراسم بزرگ داشت روز جهانی کارگر در کوبا بود و پنج و نیم میلیون نفر نیز در سراسر کشور در آن شرکت کردند (جمعیت کوبا قدری بیشتر از ۱۱ میلیون نفر است). هاوانا که مراسم اصلی در آن جا برگزار شد خاتمه موفقیت آمیز هفدهمین کنگره «تشکیلات مرکزی کارگران کوبا» را جشن گرفت. سخنران اصلی این مراسم ویکتوریا ولاسکز (Victoria Victoria) منشی اول اتحادیه جوانان کمونیست در سخنانش اشاره کرد: «فردا ما از نحوه برگزاری روز جهانی کارگر در سراسر دنیا مطلع خواهیم شد، در شرایطی که بسیاری از کارگران یا آینده ای ندارند و یا با آینده ای ناروشن مواجه اند. امروز مردم کوبا متحداً برای همه کارگرانی که قادر به تظاهرات نیستند. برای همه پرولترهائی که نمی توانند صدای شان را به گوش جهانیان برسانند، رژه خواهند رفت»^۴

همان طور که فیدل کاسترو در سخنرانش خطاب به کنگره «تشکیلات مرکزی کارگران کوبا» یادآور شد، واشنگتن و سایر مراکز قدرت سرمایه داری جهانی دیگر در اوج امید و شادی سال های ۹۱- ۱۹۸۹ نیستند. آن ها میلیاردها دلار به صورت

^۴ - نگاه کنید به سخنرانی های فیدل کاسترو در دسامبر ۱۹۸۶ در گاهنامه نیوانترناشنال چاپ

وام و هدیه در اختیار رژیم های حاکم بر کشورهای اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی گذاشته اند تا ضد انقلاب سرمایه داری را به سرانجام برسانند. اما بحران اقتصادی در این کشورها عمیق شده است. در کوبا علیرغم تبلیغات و کارشکنی های آشکار و پنهان امپریالیسم، کارگران و دهقانان نشان داده اند که می توان به روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. این درسی اساسی است برای کارگران و زحمت کشان سراسر جهان. فیدل کاسترو در سخنرانی ۱۷ آوریل گذشته که به مناسبت پیروزی انقلابیون کوبا بر نیروهای اجیر آمریکایی در خلیج خوک ها در ۲۵ سال پیش ایراد شد، جمع بندی این تجارب را این گونه ارائه داد:

«امروز مبارزه ما می توان گفت حتماً بیشتر [از جنگ خلیج خوک ها] به حق است، چرا که ما تنها بر اساس نیروی خود می جنگیم سابقاً، زمانی بود که ما تنها بودیم ولی باور داشتیم که همراهانی داریم. برخی وقایع، منجمله بحران موشک ها [مستقر شده در کوبا توسط اتحاد شوروی]، به ما خلاف این باور را اثبات کرد. مدت مدیدی است که ما می دانیم که این کوبانی ها و تنها کوبانی ها هستند که از کشور دفاع خواهند کرد، و البته با متدهای درست، نه با تاکتیک های کلزویتز (Clausewitz)؛ بلکه با جنگ توده ای مردم، و این ها همه حقیقت است.»

«به این طریق بود که ما انقلاب کردیم، به این طریق بود که ما از انقلاب دفاع کردیم. و به این طریق نیز می توانیم به دفاع از انقلاب ادامه بدهیم.»^{۱۰}

Argiris Malapanis and Brian TAYTOR. „Millions March in Cuba To -^{۱۰}
Defend the Revolution. Workers celebrate Start of Economic Recovery.“
The Militant, May ۱۳, ۱۹۹۶

سخنرانی فیدل کاسترو به مناسبت سی و پنجمین سالگرد پیروزی انقلابیون کوبانی بر تهاجم مزدوران آمریکا به «خلیج خوک ها»، «گرانما» هفتگی، شماره اول ماه مه ۱۹۹۶. در بهار، تابستان و پائیز ۱۹۶۲ ایالات متحده یک سری مانورهای نظامی وسیع با نیت آمادگی برای اشغال کوبا انجام داد. در این شرایط کوبا و اتحاد شوروی قرارداد نظامی ای امضاء کردند.

انقلابیون کوبا، از زمان خوزه مارتی تا جنبش ۲۶ ژوئیه، از پیوستن ارنستو چه گوارا به آزادی خواهان در کنگو و دهقانان در بلیوی، تا اعزام سی صد هزار داوطلب برای دفاع از آنگولا در برابر تهاجم آفریقای جنوبی، انترناسیونالیست بوده اند. پیروزی قطعی انقلاب کوبا در گرو گسترش انقلاب سوسیالیستی، خصوصاً به کشورهای صنعتی سرمایه داری است. در آغاز قرن بیست و یکم مرزی مهم تر از خط طبقاتی نیست.

کامران نیری

خرداد ۱۳۷۵ نیویورک

منبع: کارگر سوسیالیست شماره ۴۲ و ۴۳ سال ۱۳۷۶

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK

ایمیل: yasharazarri@yahoo.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۴

رهبان کوبا مایل بودند قرارداد علنی باشد ولی خروشچف مخالفت کرد و با پیشنهاد او شوروی ۴۲ موشک با برد میانه در کوبا مستقر نمود. در ۲۲ اکتبر ۱۹۶۲ کندی کوبا را متهم به داشتن موشک های اتمی به قصد تهدید آمریکا کرد و دست به محاصره دریائی کوبا زد و تهدید به جنگ علیه این کشور و اتحاد شوروی نمود. خروشچف در ۲۸ اکتبر، بعد از توافقی با کندی، موشک ها را از کوبا خارج کرد. در این بین شوروی هیچ گونه مشورتی با دولت کوبا انجام نداد. در مصاحبه ای با شبکه تلویزیونی ان. بی. سی، یکی از سه شبکه سراسری در آمریکا، در اکتبر ۱۹۹۲، کاسترو گفت که اگر رهبری کوبا در ۱۹۶۲ در مورد مشی سیاسی رهبری شوروی بیشتر می دانستند هرگز استقرار موشک ها در کوبا را قبول نمی کردند.